

پای صحبت سالار عقیلی درباره آتش نشان ها و جانفشانی هایشان

دردی که بر زبان، جاری نمی شود

◀ اگر همکاری می کردیم فرزندی تا همیشه چشم به راه پدرش نمی ماند یا مادری جان نمی داد و فرزندش برای همیشه از آغوش او محروم نمی شد



عکس: سعید غلامحسینی / شروند

از دستم بر بیاید دریغ نمی کنم. نگاه کن که غم درون دیدم چگونه قطر قطره آب می شود! چگونه سایه سیاه سر کشم اسپر دست آفتاب می شود! نگاه کن تمام هستی ام خراب، شراب زای مرا به کام می کشد! مرا به اوچ می بوسم و او منتظر من است که به خانه برگردم پس خوب می توانم حال بچه های چشم در راه را بفهمم.

• فکر می کنید می توانید چه کاری برای کم کردن اندکی از بار این غم برای خانواده قهرمانان پلاسکو انجام دهید؟

امروز که همه ما در غم از دست دادن این قهرمانان وطن گرفتاریم اما کمی بعد که قطره ای از درد و غم در گذشتن فروکش کند حاضرم برای خانواده آتش نشانان هر زمانی که بگویند در هر کجا کسرتی را هدیه کنم، هر وقت هماهنگی ها برای اجرای این برنامه انجام شود، من آماده این خدمتگزار هستم.



خانواده ها، عضوی از خود را از دست داده اند و چه بسا همسران، مادران، پدران و فرزندان که چشم به راه مانده اند. آیا به عنوان یک هنرمند وظیفه ای در قبال قهرمانان آتش نشان هاجس می کنید؟

بگذارید در ابتدا غم انگیزترین بخش این داستان غم انگیز را مرور کنیم. در اخیر آمده بود که رئیس آتش نشانی گفت: اگر چند ثانیه زودتر به محل حادثه رسیده بودیم، جان یک نفر نجات پیدا می کرد اما تراکم جمعیت به ما اجازه ایسن کار را نداد. دوباره از این بزرگواران که جان عزیزشان را برای نجات دیگران ایثار کردند، قدر دانی می کنم. بارها و بارها در اتوبان ها دیده ام که برخی در مواجهه با شنیدن صدای آمبولانس به جای این که خودشان را کنار بکشند تا مسیر باز شود خودشان را در مسیرهایی مثل خط ویژه پشت این خودروها قرار می دهند تا زودتر به مقصد برسند. از مردم خواهش می کنم در بسوزن این اتفاقات با مأموران امداد و آتش نشان همکاری کنند شاید اگر ما بیش از این همکاری می کردیم امروز تعدادی از درگذشتگان امروز سالم و سلامت در کنار خانواده هایشان بودند و فرزندی تا همیشه چشم به راه پدرش نمی ماند یا

مادری جان نمی داد و فرزندش برای همیشه از آغوش او محروم نمی شد. ناراحتی ما امروز بیشتر برای خانواده این عزیزان است. کافی است برای یک لحظه خودمان را جای فرزند و همسر هر کدام از درگذشتگان قرار دهیم تا به حس غم انگیزی که امروز دارند پی ببریم. این ماجرا واقعا غم بار است. پدری صبح زود با عیش فرزندش را می بوسد و به سر کارش می رود اما دیگری به خانه بازمی گردد. فرزند به بازگشت پدر امیدوار است اما دیگری پدری نمی گردد و دیگر کسی نیست تا او را بوسد. من نظر من هر قدر دولت از خانواده این قهرمانان تقدیر کند کم است. من هم به عنوان عضوی از این جامعه و به عنوان کسی که در زمینه موسیقی فعالیت می کند هر کاری

می شود. غلام قمر و هوای آفتاب که پیش از این مردم با آنها تباطر قرار کرده اند، نیز در این برنامه اجرا می شود. درباره بخش دیگر اجرا هم فعلا توضیح نمی دهم تا مردم خودشان بیابند و ببینند.

• به جایزه باید در جشنواره دوره سی و دوم اشاره کردید. در این دوره با وجود حضور شما در لیست بهترین خوانندگان موسیقی ایرانی و انتخاب دو آلبوم به عنوان آلبوم برتر که اتفاقا شما در آنها عقیلی در اختتامیه جشنواره فجر برده نشد. بر این اساس برخی از علاقه مندان به موسیقی از این بابت ناراحت بودند. نظر خود شما درباره اعلام نام نامزدها و البته ذکر نکردن نام خواننده در آلبوم های با کلام موسیقی ایرانی چیست؟

من از حدود ۱۲ سال پیش روی صحنه هستم و افتخار می کنم که در این سال ها با عشق به مردم سرزمینم خدمت می کنم. البته این امکان وجود داشت که نام خواننده آلبوم های با کلام را ذکر می کردند. هر چند کاری که ساخته شده به نام آهنگساز است اما موفقیتش حاصل یک کار جمعی است. درست مثل کسرتی که من اجرا می کنم اما تلاش آهنگساز، صدایدار، برنامه ریز و به طور کلی یک مجموعه در کنار خواننده باعث موفقیتش می شود و بر همین اساس در تمام کسرتی ها بعد از پایان هر قطعه نام ترانه سرا و آهنگساز آن را با افتخار اعلام می کنم تا مردم هم بدانند این موفقیت مربوط به یک تیم است. از سوی دیگر برای مثال وقتی آلبوم از جان و دل به عنوان نخستین آلبوم با کلام در جشنواره فجر معرفی می شود بهتر است نام گروه نوازندگان و خواننده کار را هم بیابند تا اطلاع رسانی به طور کامل صورت بگیرد و مردم بتوانند با فهمیدن مشخصات کامل کار در صورت علاقه آن را تهیه کنند. البته من واقعا خوشحالم که دوست عزیزم نوید دهقان برای آهنگسازی این آلبوم جایزه برتر از آن خود کرد چون ما یک پیکره هستیم و بر این اساس انگار خود من این جایزه را برده ام.

• از این موضوع که بگذریم باز هم صحبت از فاجعه تکان دهنده پلاسکو به میان می آید. برخی از

همان طور که می دانید این آقایان از بزرگان سازها در کشور ما هستند. این اجراء باعث ایجاد شب خاطر انگیزی شد. امیدوارم بعد از این اتفاقاتی چنین دلخراش در کشور ما پیش نیاید و ما در شبهایی شاد برای مردم اجرا می داشته باشیم.

• کیفیت سالان در کرج برای این کنسرت مناسب بود؟

این اجرا در سالان مرکز تحقیقات و اصلاح بذر کرج برگزار شد که سالان با کیفیتی بود. حدود ۸۰۰ نفر هم ظرفیت داشت. راستش را بخواهید قبل از اجرا در این سالن کسی نگران بودم اما بعد از ورود به مجموعه و دیدن سن شسبک و صدایی های با کیفیت که در دو طبقه به شکل زیبایی قرار گرفته بودند، خیالم راحت شد.

• درباره اجرایی که پنجشنبه همین هفته در پیش دارید هم بر ایمان توضیح دهید...

بله. هفتم بهمن ماه در برج میلاد کنسرت رسمی من توسط آقای توننجیان مدیر موسسه قفقوس برگزار خواهد شد. سال هاست که من کلیه کنسرت هایم را با موسسه قفقوس در تهران به روی صحنه می برم چون تیمی حرفه ای دارند و همکاری با آنان با برنامه و منظم پیش می رود. ما برای این کنسرت تصمیم داشتیم برنامه را در دو بخش اجرا کنیم. در هر دو بخش هم گروه قمر و موسیقی را بنوازند و من کارها را بخوانم اما چون استقبال مردم نسبت به آثار خاطر انگیز و ملی مینمی را دیدیم تصمیمان تغییر کرد و بنا شد که بخش نخست را به اجرای آثار خاطر انگیز اختصاص بدهیم و بخش دوم را با همکاری گروه قمر به سرپرستی دوست عزیزم نوید دهقان به روی صحنه ببریم. البته این را هم باید بگویم که کنسرت هفتم بهمن ماه با بقیه کنسرت های من متفاوت است چون قرار است برای نخستین بار برنامه در چهار بخش اجرا شود. البته همان طور که گفتیم دو بخش اصلی اجرا به آثار خاطر انگیزی که قبل از این خوانده ام و قطعاتی که با گروه قمر به سرپرستی نوید دهقان اجرا شده اختصاص دارد. بخشی از آلبوم از جان و دل که چند شب پیش در اختتامیه جشنواره فجر جایزه بهترین آهنگساز را برنده شد، در این کنسرت برای مردم اجرا

علی نامجو | آدم های تو هم می اولند. جایی برای سوزن انداختن نیست. آفتاب جمعیت به هم قفل شده که راه گذر و گریزی نیست. صدای آژیر متد، خاموش نمی شود. جمعیت قفل شده از جاتکان نمی خورد. ماشین های پشت جمعیت، انگار خودشان به صدا در می آیند اما گوش کسی به این حرف ها بدهکار نیست. تکه های آهن انکار فریاد می زند؛ از سنگ صدایم می خیزد و جمعیت انگار نه انگار. آسمان و زمین دست به دست می دهند و فریاد می کنند: «آی آدم ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید / یک نفر در آب داردمی سیار جان». اما اینجانه در باست و نه ساحل. خیابان است و وزبانه های آتش. جنگ آب است و آتش و جان آدم ها...

این داستانی است که داغی بر چهره شهر گذاشت و هنوز تازه است. داغی که بر چهره شهرمان نشست و بعد از آن حالا از یاد او بی که جلو «مدها» را گرفت باز یاد او بی که می گوید به عشق مردم می خواند. سالار عقیلی هم آطور که خودش می گوید، به اندازه کافی از این حادثه، متأثر شده است. آفتاب متاثر که به جمعیت حاضر در آن «روز سیاه»، نقدهایی جدی وارد می گوید: اگر همکاری می کردیم، فرزندی تا همیشه چشم به راه پدرش نمی ماند یا مادری جان نمی داد و فرزندش برای همیشه از آغوش او محروم نمی شد. اینها بخشی از آن چیزی است که او به «شهر وند» گفته و قول داده است هر جا که خانواده های بازمانده بخواهند به نفع آنها کنسرت موسیقی برگزار خواهد کرد. عقیلی همین چند وقت پیش کسرتی را که در کرج برگزار کرده بود، به آتش نشانان تقدیم کرد. با او درباره حادثه تلخ «آتش افتادن به جان آدم ها» به گفت و گو نشستیم که در ادامه می آید:

• این روزها فضای کشور را غم و اندوه از دست دادن آتش نشانان پر کرده است. این خبر صحت دارد که شما چند روز قبل با یکی از آتش نشانان مصدوم دیدار کردید؟

من قبل از هر چیز این فاجعه عظیم را به خانواده این قهرمانان از دست رفتن، خدمتگزار، از جان گذشته و بی گناه و البته مردم شریف ایران تسلیت عرض می کنم. این عزیزان به خاطر نجات جان هموعان حتی خانواده و فرزندانشان را فراموش کردند و خودشان را به خطر انداختند. چنین کار بزرگی را هر کسی انجام نمی دهد و واقعا بار زبان نمی توان از آن تقدیر کرد. من چند روز قبل فرمانده یکی از پایگاه های عملیاتی آتش نشانی را که در جریان این فاجعه زخمی شده بود، در بیمارستان پارس ملاقات کردم و با دلی پر درد و چشمانی اشک آلود از دلور مردی که او همکارانش انجام داده بودند، قدر دانی کردم. تحمل این درد و رنج به زبان گفتنی نیست. آتش بگیر تا که بدانی چه می کشم احساس سوختن به تماشا

نمی شود.

• در کنسرتی که یکم بهمن در کرج اجرا شد هم قطعه ای را به قهرمانان آتش نشان تقدیم کردید. درباره این اجرا هم بر ایمان بگویید...

ما به همراهی ارکستر فیلارمونیک دماوند در شهر کرج اجرای را در یکم بهمن داشتیم که با استقبال گرمی از سوی مردم روبه رو شد. در آن کنسرت آثار بزرگان موسیقی و آثار خاطر انگیز خود همچون تیتراژ سرال ها اجرا کردم. در آن کنسرت به احترام شهدای آتش نشان یک دقیقه سکوت کردیم و بعد از آن یکی از قطعات خاطر انگیز از عارف قزوینی با نام از خون جوانان وطن را اجرا کردم. خواندن این قطعه بغض حاضران در سالن را شکست و باعث شد مردم به یاد این عزیزان از دست رفته، اشک بریزند. این اجرا به رهبری آقای مرتضی شفیعی برگزار شد و نوازندگان چیره دستی همچون استاد سیاوش ظهیرالدینی، کریم قربانی و آقای همایون رحیمی در این ارکستر ما را همراهی می کردند.

نوید دهقان از جایزه موسیقی «باربد» و جانفشانی آتش نشان ها می گوید

مسئولیت های دلپذیر

◀ برای آتش نشان ها و خانواده هایشان می خواهیم فریاد بزنم



داده شده و بخش دیگری را آثار خاطر انگیز و ملی مینمی تشکیل می دهد، در مورد رپرتواری که قرار است در این اجرا داشته باشید بر ایمان بگویید.

خواننده وقتی آثار مختلفی را در ژانرهای مختلف اجرا می کند، طبعاً جنس و طیف مخاطبانش هم متفاوت و گسترده می شود. اساساً علاوه بر کارهایی که با ما به روی صحنه برده است، کارهای زیادی را برای تیتراژ سرال و نظیر آن اجرا کرده که با پیولازتر شناخته می شود. بنابراین جنس مخاطب خاصی پیدا

می گذارد که براساس آن باید در آینده هم به تلاش بیشتر از گذشته ادامه دهد تا نشان دهد نظری که رویش داشته اند درست بوده و در آینده هم ادامه پیدا می کند. در مجموع باید بگویم که احساسم بعد از کسب جایزه باربد خوب و دلپذیر بود.

• البته در دوره گذشته هم آلبوم وطن کاندیدای بهترین آلبوم در موسیقی ایرانی شده بود...
بله اما جایزه برتر را آلبوم دیگری از آن خود کرد. می دانید که جایزه باربد اکنون دوسال است که در جشنواره فجر اجرا می شود با این توضیح در جشنواره فجر هم در سه دوره یعنی سال های ۷۶، ۷۵ و ۷۴ این را هم اضافه کنم که در دوسالانه خانه موسیقی آلبوم مشترک من و سالار عقیلی با نام «هوای آفتاب» به عنوان بهترین آلبوم موسیقی سنتی انتخاب شد و تک آهنگ «وطن» هم دوسال قبل در جشن موزیک ما به عنوان بهترین اثر موسیقی سنتی انتخاب شده بود.

• اکنون که در آستانه اجرای مشترک با سالار عقیلی در برج میلاد قرار دارید و بناست قطعاتی از آلبوم از جان و دل را برای علاقه مندان اجرا کنید، این تجربه مشترک با آقای عقیلی در قیاس با اجراهای قبلی با این خواننده چه تفاوت هایی خواهد داشت؟

ما از سال ۸۶ یعنی حدود ۹ سال است که با سالار عقیلی کار می کنیم و کنسرت های زیادی با هم داشته ایم. وقتی آلبوم های هوای آفتاب، وطن و باربد و دیار که منتشر شد حداقل ۱۵۰ کنسرت را به طور مشترک با هم اجرا کردیم. از زمانی که از جان و دل از منتشر شد یعنی ۲۱ شهریور ۹۵ تقریباً استقبال خوبی از این آلبوم از سوی مردم صورت گرفت. از سوی دیگر امسال دهمین سال فعالیت گروه قمر بود بر همین اساس دو کلیپ تصویری از گروه ما منتشر

چه باشد؟
من فکر می کنم اساسا ما باید توجهات را به این سمت ببریم که برخی شغل ها در ذات پرخطرند و لازم است که در آغاز وارد این کار می شود این ماجرا را می داند درست مثل یک سرباز وطن که می داند خطر با کارش گره خورده است. بسیاری از کارگران که کارهای سخت انجام می دهند نیز می دانند که ممکن است در حین کار جانشان را از دست بدهند. هنرمندان چه کار کردی در این مسیر خواهد داشت؟

در این بخش است که هنرمندان می توانند با کارشان این تسلی را در بعد اجتماعی انجام دهند. به نظر من ما به عنوان یک هنرمند باید این جمله را فریاد بزنم که این جریان، جریان پرخطری است بنابراین امکاناتی که به این گروه آدم ها و پس از آنها به خانواده هایشان اختصاص داده می شود لاقاف باید به لحاظ مالی آنها را تأمین کند. برگزاری کنسرت ها، یادمان ها و کارهایی نظیر این هم اتفاق خوبی است اما اصل و اساس چیز دیگری است.

کرده که با مخاطب خاص موسیقی ایرانی که موسیقی دستگاهی و ردیفی ایرانی را دوست دارد، متفاوت است. باین توضیح کنسرت هایی که در سالن هایی با این ظرفیت و در سالن های متعدد برگزار می شود، مخاطبان متفاوتی را در خود جای خواهد داد و شاید لازم بوده که این اتفاق بیفتد تا مخاطبان آن گونه کارها آثاری را که دوست دارند، بشنوند.

• به نظر شما اجرا با ارکستر از یک سو و همراهی با گروه قمر از سوی دیگر مشکلی را در این اجرا ایجاد خواهد کرد؟
بمنظر من این ماجرا حتی می تواند فرصت خوبی قلمداد شود چرا که گروه قمر می تواند آن مخاطب را هم بیشتر با موسیقی کلاسیک آشنا کند. قرار بر این شده که بخشی از اجرا به آن دسته کارها اختصاص داشته باشد و بخش دیگر گزیده ای از آثاری که سالار تا امروز با گروه قمر اجرا کرده است، روی صحنه برود.

• همان طور که حتماً اخبار را دنبال کرده اید، حادثه پلاسکو در این روزها غم و اندوه فراوانی را بر دل ها نشانداده است. هنرمندانی چون شما در مواجهه با چنین اتفاقی چه واکنشی از خود نشان می دهید؟

اساساً هنرمندان نسبت به اتفاقات و جریاناتی که دور و برشان شکل می گیرد، باید هوشیار باشند. خوب ببینند و درباره اش تفکر و تأمل کنند. مسلمانان هر اتفاقی را احساسات هنرمندان تأثیر گذار است چون احساس یکی از برجستگی های هنرمندان است. من فکر می کنم ما درباره مسائل و اتفاقات این چنینی شاهد مواضع و اندیشه های گوناگونی از جانب انسان های مختلف هستیم. در این حوادث ممکن است هر کسی موضعی بگیرد و سخنانی را بیان کند.

• به نظر شما وظیفه هنرمندان در برخورد با این دست حوادث یا به عبارت بهتر فاجع باید